فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، پیاپی۶

سخن سردبیر

امروز فضای دهکده‌ی علمی کشور ما در اقلیم بیکران دانش جهان از قلم‌زنان کثیری در حوزه‌ها و شاخه-های گوناگون برخوردار است. از این رو، نوشتارهای بی‌شماری در قالب کتب و مقالات علمی انتشار می‌یابد که بیم و امید را هر دو می‌افروزد. در این زمان دیگر مسأله تنها ختم به محیط و زندگی انسان نمی‌شود. در حقیقت مسائلی است که گمان می‌رود پاسخ آن در نهان عالمان روشن باشد. پرسش این است که: "دغدغه‌ها چیست؟"، "دغدغه‌مند کیست؟"، "نگرش‌ها و نگارش‌ها به چه سویی است و از کجا سرچشمه می-گیرد؟"،"محصول علم چگونه تولید می‌شود؟"، "تولید علم برای چیست؟" و "خریدار محصول علم کیست و کاربرد آن کجاست؟"

در بیان عامل و محرک اساسی رشد روز افزون تولیدات علمی کشور (به ویژه مقالات)، توافق جمعی بر آن است که نویسندگان مقالات -چه جامعه اساتید و چه دانشجویان تحصیلات تکمیلی- عمدتاً به منظور استفاده از امتیاز آن در ارتقاء علمی، انجام تکلیف درسی، دفاع از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ختم تحصیلی و غیره به وادی قلم و کثرت بخشی به مقالات علمی کشیده شده‌اند. هم چنین، پویش توأم روند تولید علم با نحوه‌ی کاربست آن در صحنه‌ی اجرایی کشور یا به عبارت دیگر، نظام «پیوند جامعه آکادمیک با دستگاه‌های اجرایی» موید این واقعیت غیر قابل انکار خواهد بود که استفاده از داده‌ها و یافته‌های علمی منتشر شده در قالب مقالات، به ندرت مورد توجه برنامه‌ریزان و مجریان در سطوح خرد تا کلان است.

عدم گرایش و رغبت جامعه اجرایی به استفاده از مقالات علمی را در ناهماهنگی محتوای این نوشتارها با نیاز واقعی جامعه، در برخی موارد نبود اعتماد به صحت و سقم داده‌ها و عدم پاسخ‌گویی آن به نیازمندی‌های بدنه کارشناسی علمی و اجرایی کشور می‌توان یافت. از سوی دیگر، فقدان احساس نیاز کارشناسان اجرایی به جستجوی راهکارهای جدید به سبب عدم پویایی کار آنان و دور بودن از هر گونه تحول در چارچوب مقررات یا به عبارتی، کم رنگ شدن لزوم توجه به دیدگاه‌های علمی در ادارات به تبعیت از بخشنامه‌های ابلاغی از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بالا، عامل دیگری است که مطبوعات علمی را کم مخاطب ساخته و سهم کاربران اصلی تولیدات علمی را از آن کاسته است.

در نهایت، عوامل علی پدیده هرچه باشد، سبب بی‌نیازی محققان و نویسندگان محترم به ضرورت بازنگری فعالیت علمی و حرفه‌ای خود نمی‌باشد. واقعیت آن است که کمیت‌گرایی بی‌مورد در باب اختصاص امتیازات، تنها بر اساس تعداد و بدون توجه به دستاورد علمی مقالات، به زیان بهبود کیفیت تولیدات علمی عمل نموده است. مقاله‌سازی و مسئله‌سازی‌های تجریدی و بی‌ارتباط با مسائل جاری زندگی مردم و تقلید از الگوهای به ظاهر مبتنی بر روش‌های آماری و ریاضیاتی در مطالعات جغرافیایی به عنوان یکی از کهن‌ترین و انسانی‌ترین شاخه‌های علم، مطبوعات علمی این رشته را روز به روز به ورطه‌ی بی‌محتوایی کشانده است. در این صورت، گاهی تنها "مقاله‌نویسی" تولید علمی تلقی شده و بدان مباهات می‌شود!

حال، آیا وقت آن نرسیده که با رعایت اخلاق پژوهش، صداقت علمی، توجه به نیازهای زندگی مردم و ضرورت‌های جامعه، سبب بی‌انگیزگی مخاطبان (مردم، دانشجویان و کارشناسان) نشده و در عوض اعتبار و حیثیتی را که بزرگان این سرزمین در راه کسب آن مجاهدت کرده و متحمل محرومیت‌ها شده‌اند، به زعم خود پاسداریم؟

حسن افراخته

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]